



مقدمه ای بر دیدگاه بومشناسی شهری

دکتر اسماعیل نصیری
مدرس دانشگاه پیام نور

مقدمه:

از دیدگاه علوم زیست محیطی هدف بومشناسی شهری همواره شناخت تغییرات بومشناختی در ساخت بستر طبیعی شهر است. این پدیده که بر اثر پیکر و عملکرد شهر ایجاد می شود و سبب بروز اختلال هایی را در زندگی و سلامت جامعه شهری و نیز عملکرد سالم اکوسیستمی که محیط شهری در درون آن جای گرفته است، می گردد. تردیدی نیست فضاهایی که امروزه شهرهای کوچک و بزرگ اشغال کرده اند، در گذشته دور یا نزدیک فضایی طبیعی به حساب می آمده اند. به همین ترتیب، روشن است که فرایندهای چرخه مواد و جریان انرژی در محیط های طبیعی، با آنچه در شهرها وجود دارد، کاملاً متفاوت است. در یک اکوسیستم طبیعی همه فرایندهای جاری در طبیعت را پسخورهای منفی کنترل می نمایند، در محیط های شهری، علی الاصول مدیریت شهری باید نقش « تنظیم کننده» را ایفا کند.

در حقیقت موضوع قلمرو و مباحث بومشناسی شهری نیز بررسی و شناخت سازوکارهای حاکم بر این فعل و انفعالات مکان یابی حرکات جمعیت است؛ همچنین کوشش برای رفع زمینه های پیدایش این قبیل اختلالات و هدایت فرایندهای بومشناختی جاری در محیط شهری است که نه تنها به حل مشکلات موجود کمک می نماید، بلکه موجبات کیفیت زندگی

از جمله موضوعات مهم در سده بیست و یکم در نواحی شهری، بومشناسی و جمعیت می باشد. دو عامل یاد شده تا حد زیادی زمینه های تخریب محیط زیست، انفجار جمعیت، تغییر ارزشهای اجتماعی را به دنبال آورده اند. (شکویی، ۱۳۷۰، ص ۱۵)

در سالهای اخیر تغییر در بافتهای شهری تا حد زیادی خود ناشی از حرکات جمعیت و مکانیابی آنها در نقاط شهری بوده است، یعنی پدیده ای که به طور اجتناب ناپذیر تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آمده است. چنین فرایندهایی امروزه نگرانی دولتها و مدیران شهری را فراهم آورده است. به همین سبب دست اندرکاران برنامه ریزی شهری در جوامع مختلف به اشکال مختلف به طراحی و برنامه ریزی پرداخته اند تا بلکه بتوانند توازنی در بومشناسی شهری خود ایجاد نمایند. (شیخی، ۱۳۷۸، ص ۱۲-۱۰)

فرایندهای بوم شناسی شهری

در نوشتگان برنامه ریزی شهری مفهوم بومشناسی شهری، در چارچوب متفاوت با آنچه در علوم زیست محیطی به کار می آید، مورد استفاده قرار می گیرد.

در محیط های شهری را نیز فراهم می آورد.

برپایه آنچه از اهداف و وظایف بوم شناسی شهری مطرح گردید، آشکار می شود که مکانیابی حرکات و تراکم جمعیت از هر نوع آن نمی تواند عاری از پیامدهای بومشناختی، زیست محیطی باشد که به صورت مختلف کیفیت زندگی در محیط شهری را زیر تأثیر قرار می دهند افزایش تراکم تنها زمانی می تواند مسأله آفرین گردد، که روند شکل گیری و سازمان یابی فضایی آن آزاد از هر گونه کنترل و نظارت مستمر و موثر باشد (ولستر، ۱۳۷۵، صص ۲۵-۱۷، Silton، ۲۰۰۶، ۲۳۸)

تراکم و حرکات جمعیت

افزایش تراکم جمعیت و حرکات آن به اشکال مختلف و به طور مستقیم و غیر مستقیم موجب ظهور تغییرات بومشناختی در محیط های شهری می گردد. تغییرات مذکور در بیشتر موارد نه به صورت زنجیره های علی یا خطی، بلکه بیشتر در قالب حلقه های پسخور و در این حالت، عمدتاً پسخور مثبت عمل می کنند. از دیدگاه بومشناسی شهری رقابت، تهاجم و جانشینی جمعیت شهری می تواند در صورتی که برنامه ریزی شهری به شیوه های منطقی صورت پذیرد، پیامدهای مثبتی را نیز به همراه داشته باشد. ایجاد و توسعه فضاهای سبز شهری و فضاهای سبزی که برای برقراری موازنه بومشناختی ایجاد می گردند، از این جمله اند. نکته آخر خصوصاً درباره ی شهرهای مستقر در اکوسیستم های بیابانی، نیمه بیابانی و استپی مصداق می یابد. زیرا این قبیل فضاها، در شرایط طبیعی بیشتر فاقد طبیعت سبز و توانایی های بومشناختی بالا می باشند، در این حالت فضاهای سبز و گسترده شهری، می توان به تنوع و توانایی های بومشناختی محیط کمک کرده و موجبات ارتقای کیفیت محیط را فراهم آورد. با این همه این اوصاف واقعیتی است که شهرهای ایران بیش و کم از دید فضای سبز فقیر بوده و آنچه وجود دارد، نیز نه از نظر مکانیابی، وسعت و ساخت و ساز و نه از نظر شیوه ی توزیع و پراکندگی در سطح شهر فاقد هر گونه منطق است. به عبارت دیگر توسعه ی فضاهای آزاد و سبز شهری در هم تراز با تغییرات تراکم جمعیت و سطوح و احجام ساخته شده، انجام پذیرفته و به همین سبب پاسخگوی نیازهای بومشناختی شهری. (ممتاز، ۱۳۸۲، صص ۸۳-۷۰)

روند اسکان جمعیت و عوامل بومشناختی در شهرها

شهرها زاده ی روستاها هستند و به عبارتی روستاها سنگ مادر شهرها شمرده می شوند. استقرار روستاهای کشور در دوره ای که انسان در تبعیت از پدیده های طبیعی بوده است، در مناطقی صورت می گرفته که طبیعت امکان حیات در اختیار گذاشته بود. حفر قنات و یا ساخت آبراهه ی انتقال آب از نقطه ای به نقطه دیگر نیز در پیوند با وجود امکانات کشت و کار در زمین بوده است. شکل سکونت و ریختشناسی محل استقرار

انسان بیشتر از عامل طبیعی و اجتماعی تأثیر می پذیرفته است. وجود آب، پراکندگی زیستگاهها در حالی که بخش بزرگی از کشور از کم آبی و یا بی آبی در رنج بوده است، این مناطق همواره با تراکم نسبی جمعیت رو به رو بوده اند. در بخش های جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی کشور، حتی در نقاطی که آب کشاورزی از رودخانه تأمین می گردیده است، خانه ها به صورت متمرکز و بیشتر برگرد منبع و یا مظهر آب شکل گرفته اند. علاوه بر این، عامل امنیت و ضرورت توجه به آن، خاصه در رابطه با خشکسالی و تعرض احتمالی دامداران کوچنده به یکجانشینان کشاورز، روستاییان را به نزدیکی فیزیکی بیشتر واداشته است، حتی در نقاطی که به دلیل کوهستانی بودن کشتزارها و منابع آب به ضرورت پراکنده بوده اند، زندگی مجتمع و متمرکز بوده است. مسکن قلعه ای یا پلکانی شکل و ... نمودهای تأثیر این واقعیات اند. (بهرام سلطانی، ۱۳۷۰، صص ۲۳-۲۰)

خاستگاه رسم های اجتماعی و قواعد رفتاری، از چنان قوتی برخوردار است که هنگام مهاجرت روستاییان به شهرها مسکن غیر رسمی و حاشیه ای خود را بر همان روش می سازند. نزدیکی فیزیکی خواست آنهاست و به آن مأنوس اند، اگر چه گرانی زمین در شهرها و ضرورت حمایت از یکدیگر از عوامل تشدید کننده آن هستند. نگاهی به تپه مراد آب کرج و یا مناطقی از اسلام شهر گویای این واقعیت است.

مطالعاتی که ورث از صاحب نظران مکتب شیکاگو انجام داده است، آهنگ زندگی در شهرها سریع تر از آهنگ زندگی در پهنه های روستایی است و بنابراین باید پذیرفت که عوامل بومشناسی اجتماعی در شهرها به تشکیل محله های می انجامد که دارای ویژگی های مشخصی هستند و بعضی از آنها ممکن است ویژگی اجتماعی کوچک را حفظ کنند. در این محله ها انواع ارتباطات سنتی بین خانواده ها یافت می شود بیشتر مردم، عده زیادی از مردم را بر مبنای روابط شخصی می شناسند. اما هر چه این گونه نواحی بیشتر در الگوی وسیع تر زندگی شهری جذب شوند، این ویژگیها کمتر باقی می ماند.

کلویشر درباره ی این که چرا شهرگرایی با مقیاس وسیع در عمل به جای اینکه هر کسی را در درون یک توده گمنان غرق کند، به رواج خرده فرهنگ های گوناگون گرایش دارد. تبیینی ارائه کرده است. او می گوید کسانی که در شهرها زندگی می کنند، می توانند با دیگرانی که زمینه یا علایق همانندی دارند برای به وجود آوردن ارتباطات محلی همکاری کنند و به گروههای مذهبی، قومی، سیاسی و خرده فرهنگ های دیگر پیوندند. یک شهر کوچک یا روستا اجازه ی پیدایش چنین تنوع خرده فرهنگی را نمی دهد.

جریان گرد آمدن برخی خرده فرهنگ ها به دور یکدیگر بعد از مدتی مواجه با دگرگونی می شود، دستکم برای نسل دوم

مهاجران تغییر می کند. موضع تراکم در این محلات بیشتر از خصلت محیط روستایی تبعیت می کند و افراد گرایشی به نزدیکی هر چه بیشتر دارند. در تأیید این موضوع می توان از شهرک های رسمی و یا نیمه رسمی احداث شده در برخی از شهرهای کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نمونه آورد. در این شهرک ها خانه های ساخته شده توسط انبوه سازان دولتی و یا غیر دولتی ماوا تعداد بیشتری از افراد پیش بینی شده گردیده است و تا حد امکان با انجام تغییراتی در واحد مسکونی، سکونت دو یا چند خانوار را در یک واحد مسکونی فراهم آورده اند. (دانیل، ۱۳۷۸، صص ۸۳-۸۰ و وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵، صص ۴۵-۴۰)

این بخش های مسکونی در گوشه و کنار شهرها، گاه به عنوان بافت های مسئله دار مطرح می شوند این بافت ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همراه با آماده سازی قالب ها و گسترش سطح شهرها در جوار آنها به وجود آمده تا از امکانات گسترش های شهری استفاده نمایند. گستره های شهری در قالب آماده سازی ها مورد استفاده چند قشر اجتماعی قرار گرفت.

رده های کم درآمد محدوده های شهری که به کم مسکنی و یا بدمسکنی و در مواردی نیز بی مسکنی روبه رو هستند. پایین بودن قیمت زمین در این مناطق از یکطرف و واگذاری قطعاتی از زمین که امکان زندگی در واحدهای مستقل یک طبقه را می داد. گسترش سطحی شهر را موجب گردید. حرکت متوسط شهری از بافت های مرکزی شهر به اطراف به دلیل توسعه خدمات شهری و با پر کردن فاصله های موجود بین آماده سازی ها و بافت قدیم شهری صورت گرفت. این فاصله با اراضی موات و یا بایر و حتی در مواردی دایر به صورت باغ و یا کشتزار پر می شد و مالکان وابسته، دست به ساخت واحد مسکونی نسبتاً بزرگ و انتقال از بافت درونی شهر اقدام می شدند.

اقتدار فقیر و کم مایه نیز در گوشه و کنار این توسعه های شهری نقطه ای را یافته و به ساخت سرپناه هایی در پیوند با وضعیت ضعیف مالی خود اقدام کردند. این نوع مسکن بدون برنامه و طرح شهری احداث شده، و چون حالتی تجاوز گرانه داشته اند به سرعت و بدون دارا بودن حداقل استحکام ساخته شده اند. (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵، صص ۱۹-۱۰)

بوم شناسی شهری (جابجایی جمعیت و تغییرات بافتهای شهری)

شهرهای ایران را می توان بر حسب ملاکهای بومشناختی (الگوهای مکانیابی، حرکت و مکان یابی محدود) دسته بندی کرد:

- گروه اول شهرهای قدیمی و با سابقه فرهنگی دیرین با روابط نزدیک و شخصی اجتماعی که به تدریج و یا متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رشد سریعی یافته اند، مثل

تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز و ..
- گروه دوم شهرهایی که دارای سابقه زیادی هستند، ولی رشد همزمان سایر شهرها پیدا نکرده اند. گسترش ابعاد کمی شهر نیز به علت پذیرش مهاجران مناطق اطراف بوده. این شهرها در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل قبول تعداد زیاد مهاجران، حالت روستا زده پیدا کرده و شهرنشینان در اقلیت قرار گرفته اند.

- گروه سوم شهرهایی هستند که بنا به ملاحظات سیاسی و آماری و برای برخورداری از بودجه که دولت به شهرها تخصیص می دهد از نظر قانونی شهر شده اند، بدون اینکه تغییرات اجتماعی متناسب محیط های شهری را پذیرفته باشند. این شهرها به لحاظ منابع تأمین معیشت، ریختشناسی و ماهیت روابط اجتماعی هنوز بیشتر روستایی اند.

در گروه اول شهرها کم و بیش زیر تأثیر صنعتی شدن قرار دارند، این شهرها بیشتر مصداق نظر هاروی هستند. وی شهر نشینی دوره ی صنعتی را یکی از جنبه های محیط مخلوق می داند که در اثر گسترش سرمایه داری صنعتی پدید آمده است. به گفته وی در شهرنشینی امروزی، فضا، پیوسته تجدید ساخت پیدا می کند. نظریه کلاسیک مکتب شیکاگو نیز در این زمینه معتقد است که شهرها به طور اتفاقی رشد نمی کنند، بلکه در واکنش به ویژگی های مساعد محیط گسترش پیدا می کند.

پارک از صاحب نظران این مکتب معتقد است: همین که شهر ایجاد گردید... به گونه ای خطاناپذیر افرادی را که برای زندگی در منطقه خاصی یا محیط ویژه ای از همیشه مناسب ترند، از میان جمعیت گزینش می کند. (بهرام سلطانی، ۱۳۷۰، صص ۴۹-۴۰)

شهرهای ایران از راه فرآیند های رقابت، تهاجم و جانشینی به صورت نواحی پیرو سامان می یابند. بر طبق دیدگاه بومشناختی، الگوهای مکان یابی حرکت و مکان یابی دوباره شکل مشابهی دارند. محلات مختلف در شهرهای ایران در جریان تلاش ساکنان آنها در سازگار کردن خود با شرایط متغیر در مورد تأمین معاش به وجود آمده اند در شهرهای ایران مراکز تولیدی در کنار گذرگاه یا در نزدیکی منابع اولیه شکل می گیرند. جمعیت، پیرامون این مراکز گرد می آیند، افزایش جمعیت در این نقاط و پدید آمدن خدمات رفاهی و تفریحی مورد نیاز آنان، قیمت زمین و مسکن را بالا می برد. رقابت برای تصرف و سکونت در این مناطق جدی است، بنابراین ارزش زمین و مستغلات را بالا می برد و رفته رفته ادامه زندگی در مناطق مرکزی برای خانواده ها دشوار می شود و محل های خود را به مراکز تجاری و تفریحی واگذار می کنند و ساکنان میل به سکونت در حومه ها می کنند، گسترش شبکه های ترابری نیز این دوری را از مرکز فعالیت میسر می سازد.

مکتب شیکاگو شکل گیری شهر را به صورت حلقه های

هم‌مرکزی می‌داند که در مرکز آمیزه‌ای از ساختمان‌های بزرگ تجاری و خانه‌های شخصی قدیمی در حال ویرانی وجود دارد. در پیرامون این محل کارگرانی زندگی می‌کنند و سرانجام دورتر از این گروه حومه است که محل زندگی گروه‌های مرفه می‌باشد. اگر بخواهیم این نظر را برای شهرهای ایران بپذیریم با مشکلاتی روبه‌رو می‌شویم. به این‌گونه که زوال و فرسودگی مرکزی را شاهد هستیم، بدون اینکه فعالیت تجاری و یا اقتصادی چشمگیری در آنجا وجود داشته باشد. (حسینی، ۱۳۸۵، صص ۷۹-۷۰)

در ایران بسیاری از شهرها مرکز ارائه خدمات و کالا به روستاهای مجاور بوده‌اند، وظیفه اصلی بازار، خرید مازاد فرآورده‌های کشاورزی و تأمین کالاهای مورد نیاز آنها بوده است و در واقع شهرهای خدماتی بوده‌اند.

با تغییراتی که در پی اصلاحات ارضی پدید آمد و گسترش مغازه‌ها و فروشگاهها در خیابان‌ها و ساخت پاساژها از یک طرف و گسترش فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در قالب شرکت‌های نوع جدید (این شرکتها فعالیت‌های خود را از طریق غیر از تمرکز در محل فیزیکی بازار انجام می‌دهند) و .. دیگر بازار نیز رونق و کارکردهای گذشته را ندارد و به عبارت دیگر کارکردهای خود را از دست داده است. مراکز شهرها در ایران به دلیل نبود امکان برای خودروها، نبود خیابان و گذرگاهی که متناسب شرایط امروز باشد، و از همه مهمتر، تغییر کارکرد بازار، به تدریج خالی از سکنه شده و ساکنان به حومه پناه برده‌اند. جایی که امکان احداث واحدهای ویلایی و با تسهیلات جدید وجود داشته باشد.

در برخی از شهرها گونه‌ای فرار جمعی از مرکز شهر به چشم می‌خورد است و این مناطق به دلیل پایین بودن قیمت و اجاره مسکن، مأوا و محل زندگی کسانی شده است که از قشرهای کم درآمد اجتماعی بوده و این اماکن را بیشتر مرکز اشاعه بزه و ... کرده‌اند.

در این جریان (گرایش به حومه) مردم الگوی مسکن خود را از دید ابعاد و وجود برخی از امکانات زندگی از بزرگ مالکان و تجار شهر، و از دید تعداد و ترکیب اتاق‌ها و برخی خدمات نو (مثل استخر، پارکینگ، و ...) از الگوی زندگی غربی گرفته‌اند. در گذشته، شهرها محل زندگی مالکان بزرگ و میانه حال بوده و هر یک متناسب با تعداد روستاها و میزان فعالیت‌های خود دارای خانه‌های بزرگ با کارکردهای متفاوت بوده‌اند. تجار و ثروتمندان شهری نیز دارای منازل بزرگ بودند. به عبارت دیگر، بزرگی منزل و محل زندگی یکی از عمده‌ترین نشانه‌های تشخیص و ثروتمندی بوده است. قشر بعدی، یعنی کسانی که در رده‌های بعدی از بازرگانان عمده و ملاکان بزرگ قرار می‌گرفتند نیز صاحب منزل نسبتاً بزرگ و بعضاً با اندرون و بیرونی بودند. دارا بودن منزل مستقل با امکانات معمول زندگی

از مشخصه‌های این گروه بوده است. قشرهای میانه حال و در حیطه‌هایی با چند خانوار و در تعداد اتاق‌های معدودی زندگی می‌کرده‌اند. غالباً یک خانوار در یک یا حداکثر دو اتاق سکونت داشته‌اند (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵، صص ۷۵-۷۰)

شهرهای گروه دوم که با فرسودگی بافت میانی و مرکزی رو به رو شده‌اند، ولی در عین حال حرکت به پیرامون شهر به ویژه نقاط خوش آب و هوا مثل باغات سرعت گرفته و مهاجران روستایی نیز از شیوه زندگی شهری تقلید کرده و اندازه‌ی حیات و تعداد اتاقها به منزله ارزش اجتماعی و نشانه تشخیص می‌شناسند. در این شهرها به شهرک‌هایی با تراکم بالای جمعیتی می‌خوریم که محل زندگی قشرهای فقیر و کم درآمد روستایی شده‌اند. گروه‌هایی که با افزایش درآمد و برای برخورداری از مزایای زندگی شهر، خانواده خود را به شهر منتقل کرده‌اند، داشتن خانه‌ی وسیع را ارزش می‌داند و به رغم الگوی متراکم روستایی عمل می‌کنند. میانگین ساختمان‌های تازه‌ساخت در برخی از این شهرها از ۲۵۰ متر مربع برای هر خانوار می‌گذرد.

گروه سوم شهرهای بودجه‌ای هستند. یعنی شهرهایی که برای برخورداری از منابع دولتی به راههای مختلف، طبق مصوبه دولت یا مجلس شورای اسلامی نام شهر گرفته‌اند، در حالی که ساختار اقتصادی-اجتماعی آن و همچنین ساختار کالبد روستا را حفظ کرده و احیاناً با احداث بلوارهای عریض در پی اجرای طرح هادی، گسترشی در طول بلوار اصلی شهر و یا به طرف مزارع و باغات پیدا کرده‌اند (بحیرایی، ۱۳۸۴، صص ۲۵-۱۷)

نتیجه گیری

به دنبال رشد جمعیت و افزایش اشکال مختلف مهاجرتها، تراکم جمعیت در نقاط شهری رو به افزایش است به طوریکه:

- مکانیابی، حرکات و تراکم جمعیت نمی‌تواند عاری از پیامدهای بومشناختی - زیست محیطی باشد.
- عوامل بومشناسی اجتماعی در شهرها به تشکیل محلاتی می‌انجامد که دارای ویژگیهای خاصی هستند.
- حرکت قشرهای میانه‌حال شهری از بافت مرکزی شهر به اطراف به دلیل توسعه خدمات شهری صورت می‌گیرد.
- محله‌های مختلف در شهرهای ایران در جریان تلاش ساکنان آنها در سازگار کردن خود با شرایط متغیر دربارہی تأمین معاش پدید آمده‌اند.
- رقابت برای تصرف و سکونت، ارزش زمین و مستغلات رفته رفته ادامه زندگی در مناطق مرکزی شهرهای ایران را برای خانواده‌ها دشوار نموده و میلی به سکونت در حومه‌ها افزایش می‌یابد.

منابع

- ۱- بحیرایی، مجتبی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات فردا، (۱۳۸۴).
- ۲- بهرام سلطانی، کامبیز، اکولوژی شهری از دیدگاه محیط زیست، نشریه آبادی شماره سوم، (۱۳۷۰).
- ۳- جرمی، هوارد، جهان در سراسیمبی سقوط، ترجمه محمود بهزاد، انتشارات مزده، (۱۳۷۵).
- ۴- حسینی، شیدا، بررسی جایگاه خرده فرهنگها در جوامع شهری، انتشارات آگاه، (۱۳۸۵).
- ۵- دانیل، بوتکین، شناخت محیط زیست، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات موزه طبیعت، (۱۳۷۸).
- ۶- شکویی، حسین، جغرافیای اجتماعی شهرها- انتشارات جهاد دانشگاهی، (۱۳۷۰).
- ۷- شکویی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، (۱۳۸۴).
- ۸- شیخی، محمد، جامعه‌شناسی شهری- انتشارات نورگیتی، (۱۳۷۸).
- ۹- کنت، وات، مبانی محیط زیست، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات انزک، (۱۳۸۲).
- ۱۰- لسترز آر، جهان در آستانه سال ۲۰۰۰، ترجمه مهرسیما، انتشارات سروش، (۱۳۷۵).
- ۱۱- ممتاز، فریده، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات فرید، (۱۳۸۲).
- ۱۲- وزارت مسکن و شهرسازی، طرح تحقیقاتی اصول و معیارهای تعیین تراکم شهری، جلد اول، (۱۳۸۵).
- ۱۳- وزارت مسکن و شهرسازی، طرح تحقیقاتی اصول و معیارهای تعیین تراکم و جایجایی جمعیت در نواحی شهری ایران، (۱۳۸۵).

14- Belt, V, Urban ecology in third world, Oxford, (2005).

15- Skliert, L, Sociology of Global system, London, (2004).

16- Siltan, M, Introduction to urban studies in developing County. uk. London, (2006).

17- Wilkan, S, Urban ecology, approach and theory, Washington DC, (2006).